

اعتبار رأی کیفری خارجی در مرحله تحقیقات مقدماتی

حسن پوربافرانی * ابراهیم شریفی **

(تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۸)

چکیده؛

مراجع قضایی یک کشور صرفاً قوانین کیفری خود را اجراء میکنند. البته این امر به معنای بی اعتباری قوانین و آرای کیفری خارجی نیست. گاهی قانون کیفری داخلی، مراجع قضایی را ملزم می کند که به قوانین و آرای دادگاه های کیفری خارجی هم توجه کنند. برای مثال، در صورت محاکمه شدن متهم در یک کشور، از محاکمه مجدد او پرهیزند یا در صورتی به جرم ارتكابی تبعه خود در خارج از کشور رسیدگی کنند که رفتار ارتكابی او در کشور محل وقوع هم جرم باشد. این امر در مرحله تحقیقات مقدماتی حائز اهمیت بسیار است. در مرحله تحقیقات مقدماتی، قرارهایی از طرف دادسرا صادر می شوند که برخی مثل قرار بازداشت موقت پیش از اتخاذ تصمیم نهایی و برخی مثل قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب در مرحله اتخاذ تصمیم نهایی صورت می گیرند. فرضیه مقاله آن است که آرای کیفری خارجی در مورد تمامی این قرارها واجد اثر و دارای اعتبار است.

واژگان کلیدی: رأی کیفری خارجی، تحقیقات مقدماتی، منع تعقیب مجدد، دادسرا، قرار بازداشت

* دانشیار حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول): hpoorbaferani@ase.ui.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان

مقدمه

اصل کلی، اعمال قانون کیفری یک کشور، تنها در قلمرو حاکمیت آن کشور است. مبنای این اصل حق اعمال حاکمیت هر کشور بر سرنوشت خود است که دیگران را از مداخله در امور داخلی خود منع می‌نماید. جلوه کامل این اصل در حقوق کیفری است و در امور حقوقی و مدنی امکان اجرای قوانین خارجی وجود دارد؛^۱ علت آن در عدم ارتباط این امور به حاکمیت کشورها دانسته شده است.^۲ درست است که تعارض قوانین در اکثر رشته‌های حقوقی مانند حقوق جزای بین‌الملل، حقوق اداری بین‌الملل و حقوق مالیه بین‌الملل نیز رخ می‌دهد (الماسی، ۱۳۷۸: ۲۵)، ولی در امور کیفری چون علت اصلی وضع قوانین کیفری، حمایت از منافع جامعه و حفظ نظم عمومی داخلی است (Desportes et Gunehec, 1996: 284)، امکان اجرای قانون خارجی اصولاً فراهم نیست (محسنی، ۱۳۷۵، ۳۸۶؛ حسینی نژاد، ۱۳۷۳: ۱۹۱-۱۸۹). طبیعتاً وقتی امکان اجرای «قانون کیفری خارجی» فراهم نیست، به طریق اولی نباید امکان اجرای «رأی کیفری دادگاه خارجی» اعم از حکم دادگاه یا قرار دادرسی خارجی هم فراهم باشد. با این حال، این امر به معنای بی‌اعتباری کامل «قانون» و «رأی کیفری خارجی» نیست.

در مواردی دادگاه‌های یک کشور برای شروع به رسیدگی‌های خود یا برای صدور حکم باید به «قانون کیفری خارجی» توجه کنند و در مواردی هم باید به «رأی دادگاه کیفری خارجی» جهت اخذ تصمیمات خود توجه کنند. البته هیچ کدام از این موارد به معنی اجرای

۱. در حقوق ایران نیز در زمینه اجرای احکام مدنی خارجی ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می‌دارد: «احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد...». در ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی مدنی نیز به این مسأله به نوعی پرداخته شده است.

۲. اهمیت اصل حاکمیت به اندازه‌ای است که بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد اعمال اراده سایر حکومت‌ها بر حوزه صلاحیتی یک دولت و سرنوشت و قلمرو حاکمیتی آن را ممنوع اعلام کرده است و حتی به موجب بند ۷ ماده ۲ منشور یادشده دخالت سازمان ملل در اموری که ذاتاً در صلاحیت داخلی کشورها است منع گردیده است. به موجب بند ۴ ماده ۲ منشور یادشده در صورت تحمیل اراده‌ای خارج از اراده حاکمیتی دولت این مسأله به معنای تهدید استقلال سیاسی و از مصادیق تهدید صلح و امنیت بین‌المللی محسوب شده است (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۳).

قانون یا رأی کیفری خارجی نیست. به همین جهت عنوان بحث مقاله حاضر هم «اعتبار رأی کیفری خارجی» است. در واقع، تنها جایی که به معنی دقیق کلمه رأی و به عبارت دقیق تر حکم کیفری خارجی اجراء می شود بحث انتقال محکومین به حبس است که مبانی خاص خود را دارد (آشوری، ۱۳۹۳: ۱۲۳؛ پوریافرانی، ۱۳۹۳: ۴). افزون بر این، بحث اعتبار «قانون کیفری خارجی» با بحث اعتبار «رأی کیفری خارجی» هم دو مقوله جداگانه است. اولی در مواردی چون قاعده مجرمیت متقابل، وجود موجبات قانونی برای تعقیب در هر دو کشور محل وقوع جرم و متبوع (محل رسیدگی) و مواردی نظیر توجّه به قانون کشور محل وقوع جرم در مباحث استرداد مجرمین مطرح می شود. در این فرض دادگاه کشور محل رسیدگی، قانون کیفری خارجی را اجراء نمی کند و فقط برای شروع به رسیدگی خود، به قانون دادگاه کیفری خارجی توجّه کرده و شرایط تعقیب خود را در آن می یابد. به عنوان مثال هرگاه نسبت به یک ایرانی در خارج از ایران جرم تعزیری غیر منصوص شرعی واقع شود و از آن توسط بزه دیده در دادگاه های ایران شکایت شود، دادسرای ایران برای شروع به رسیدگی باید این امر را طبق بند (ب) ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ احراز کند که رفتار انجام شده نسبت به یک ایرانی آیا در کشور محل وقوع هم جرم است یا خیر؟ در حالی که در حالت دوم یعنی اعتبار رأی کیفری خارجی، دادگاه ایرانی حکم یا قرار کیفری خارجی را مورد توجّه قرار داده و بر اساس آن تصمیم می گیرد. مواردی مانند قاعده منع محاکمه مجلد (بند (ب) ماده ۷ و بند (الف) ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و قاعده احتساب مجازات های اجراء شده در خارج (ماده ۵ همان قانون) از این قبیل هستند. حتی در مورد موافقت نامه های انتقال محکومین به حبس، حکم کیفری خارجی در کشور متبوع مجرم به اجراء در می آید.

به هر حال بحث مقاله حاضر صرفاً ناظر به «اعتبار رأی اعم از حکم یا قرار کیفری خارجی» در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ است. در این مقاله نشان داده خواهد شد که در چه مواردی این قانون به احکام و قرارهای صادره توسط مراجع کیفری خارجی توجّه کرده و برای تصمیم گیری، آنها را مبنای تصمیم مراجع کیفری ایران (اعم از دادسرا و دادگاه)

قرار داده است. پرسش اصلی این مقاله آن است که اعتبار رأی کیفری خارجی آیا اصل است یا استثناء؟ به عبارت دیگر اعتباربخشی به رأی کیفری خارجی قاعده کلی نظام حقوق کیفری ایران است یا نیاز به تصریح دارد؟ افزون بر این، آیا این امر فقط در مرحله رسیدگی در دادگاه جریان دارد یا در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز جریان دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، موارد و مصادیق آن کدام است؟ پرسش فرعی این است که اعتبار حکم یا قرار کیفری خارجی در مرحله تحقیقات مقدماتی صرفاً در موارد مساعد به حال متهم جریان دارد یا در موارد نامساعد به حال متهم نیز این امکان موجود است؟ توضیح اینکه گاه اعتباربخشی به حکم یا قرار کیفری خارجی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، نه تنها مساعد به حال متهم نیست بلکه به ضرر وی است. از جمله این موارد می‌توان به مسأله انتخاب نوع قرار تأمین کیفری پس از تفهیم اتهام اشاره نمود که در صورت اعتباربخشی به رأی کیفری خارجی، بازپرس مجوز صدور قرار بازداشت موقت را پیدا خواهد کرد. به این پرسش‌ها در این مقاله پاسخ خواهیم داد و چگونگی ظهور و بروز اعتبار رأی کیفری خارجی در مرحله تحقیقات مقدماتی را بررسی خواهیم کرد. اهمیت این بحث با توجه به مسافرت‌های متعدد تفریحی، زیارتی، بازرگانی و علمی ایرانیان به خارج از کشور و همچنین سفرهای گردشگری خارجیان به شهرهای دارای جاذبه توریستی ایران، بر کسی پوشیده نیست و مقررات حقوق کیفری باید پاسخگوی چنین نیازهایی باشد. در ادامه طی شش قسمت به ترتیب به بررسی اعتبار رأی کیفری خارجی در هنگام صدور قرار بازداشت موقت، قرار موقوفی تعقیب، قرار منع تعقیب، قرار ترک تعقیب، قرار تعلیق تعقیب و قرار بایگانی کردن پرونده می‌پردازیم.

۱. اعتبار رأی کیفری خارجی در هنگام صدور قرار بازداشت موقت

امروزه در بسیاری از کشورها به ویژه در قلمرو اروپا و پس از تصویب کنوانسیون اروپایی اعتبار بین‌المللی احکام کیفری،^۱ شناسایی و اعتبار احکام کیفری خارجی، امر پذیرفته شده‌ای است

1. European Convention on the International Validity of Criminal Judgment (1971).

(Bassiouni, 2008: 512). در کشورهای معدودی هم مانند چین به رغم اینکه شناسایی و اجرای احکام مدنی و تجاری پذیرفته شده، این کشور به هیچ سند بین‌المللی ناظر به شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی ملحق نگردیده و حتی آن را امضاء نکرده است (Chen and Others, 2002: 208). به هر حال در کشورهایی که به کنوانسیون فوق پیوسته‌اند احکام کیفری صادره از کشورهای عضو، برای مراجع قضایی کیفری کشور دیگر دارای اعتبار و اثر حقوقی است و تفاوتی از این حیث بین مرحله «تحقیقات مقدماتی» و «رسیدگی» نیست.^۱ برای مثال، در اتحادیه اروپا با توجه به الزام شناسایی احکام کیفری سایر کشورها، قرارهای بازداشت صادره نیز موضوع چنین شناسایی متقابلی قرار گرفته‌اند (Cryer and Others, 2010: 91). در حقوق کیفری ایران هر چند به صورت محدودی در مواد ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی قاعده منع محاکمه مجدد پذیرفته شده و این امر خود یک نوع اعتبار قائل شدن به حکم کیفری خارجی است، اما در خصوص اثربخشی آن به سایر موارد از جمله اعتبار قائل شدن به این احکام در هنگام صدور قرار بازداشت یا صدور قرار منع تعقیب و جز آن نص صریحی نیست. در خصوص قرار بازداشت موقت، طبق ذیل بند (ث) ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صدور قرار بازداشت موقت در موردی که شخصی «سابقه محکومیت کیفری» به برخی از جرایم را داشته باشد، جایز است. طبق این ماده: «صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرایم زیر، که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند: (...) ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده قانونی نباشد و متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور را داشته باشد». پرسش این است که چنانچه این سابقه

۱. طبق ماده ۵۶ کنوانسیون اروپایی اعتبار بین‌المللی احکام کیفری هر دولت عضو تدابیر قانونی مناسب را اتخاذ می‌کند مبنی بر آنکه دادگاه‌ها به هنگام صدور رأی بتوانند هر حکم کیفری اروپایی را که در مورد جرایم قبلاً ارتکاب یافته متهم صادر شده، مدنظر قرار دهند و تمام یا قسمتی از آثاری را که قانون کشور برای احکام صادره در قلمرو آن قائل است، بر آن حکم مترتب کنند.

محکومیت به دلیل ارتکاب جرم در خارج از کشور و به استناد حکم دادگاه کیفری خارجی باشد، باز هم این جواز بازداشت موقت در مرحله تحقیقات مقدماتی جریان دارد؟^۱

برای پاسخ به این سؤال دو دیدگاه قابل ارائه است. دیدگاه نخست که می‌توان آن را دیدگاه حاکمیت‌محور نامید، آن است که اصل بر عدم پذیرش، شناسایی و اعتبار حکم کیفری خارجی است مگر آنچه استثنائاً در قوانین موضوعه تصریح شده باشد. به لحاظ تاریخی نیز این اصل دارای پشتوانه بوده و دولت‌ها به صورت سنتی رسیدگی‌های کیفری خود را جزئی از امور حاکمیتی خود تلقی کرده و بر این اساس توجهی به رسیدگی‌های کیفری خارجی نداشتند (Bassiouni, 2012: 509). دیدگاه دوم که می‌توان آن را دیدگاه هدف‌محور نامید، آن است که هدف همه نظام‌های کیفری عمدتاً یکی است و آن در سطح کلان عبارت از حفظ نظم عمومی اعم از نظم عمومی داخلی و بین‌المللی و حفظ حقوق و آزادی‌های فردی است. به عبارت دیگر حفظ نظم عمومی داخلی و بین‌المللی و اقتضای مقابله صحیح با مجرم، ضرورت به رسمیت شناختن احکام کیفری خارجی در این خصوص را داشته و این موضوع هیچ صدمه‌ای هم به حاکمیت داخلی کشور نمی‌زند. دیدگاه نخست مبتنی بر بی‌اعتمادی به نظام قضایی دیگر کشورها و دیدگاه دوم مبتنی بر اعتماد به آنها و یکسان دانستن اهداف همه نظام‌های کیفری در جهت حفظ نظم عمومی و رعایت حقوق و آزادی‌های فردی است. کشورهای اروپایی را می‌توان طرفداران دیدگاه دوم دانست. این کشورها احکام خارجی را بر پایه قواعد حقوق بین‌الملل معتبر می‌دانند (آشوری، ۱۳۷۵: ۱۹۰). در این خصوص یک دادگاه آمریکایی در بخشی از حکم خود چنین آورده است: «دزدی در دریا به موجب قوانین جزایی کلیه ملل جرم تلقی می‌شود. این جرم بر ضد کلیه ملل است و همگی برای آن مجازات تعیین

۱. اثر این بحث در زمان حکومت قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ که موارد صدور قرار بازداشت موقت به الزامی و اختیاری تقسیم می‌شد، بیشتر بود؛ زیرا بر اساس آن قانون در صورتی که متهم دارای سابقه محکومیت به علت ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۲۳۷ (بند ث) فعلی بود، صدور قرار بازداشت موقت الزامی بود.

کرده‌اند. بنابراین، حکم برائت صادر شده درباره متهم در یک کشور متملن باید پذیرفته شود» (ریاضی، ۱۳۶۱: ۲۵۱، به نقل از: آشوری، ۱۳۷۵).

در رویه قضایی ایران هم دو دیدگاه در این خصوص وجود دارد. برخی عقیده دارند سابقه محکومیت در این ماده، صرفاً ناظر به محکومیت صادره از طرف مقامات قضایی داخلی است، نه خارجی. به این ترتیب در پرونده کلاسه ۹۳۰۵۹۴ شعبه سوم بازپرسی دادرسی اصفهان که در آن فردی متهم به ارتکاب کلاهبرداری شده بود و وکیل شاکی ترجمه حکم یکی از دادگاه‌های خارجی را که مفاد آن ناشی از محکومیت قبلی متهم در خارج از کشور بود، به شعبه بازپرسی ارائه داده بود و از این رو در لایحه وکیل شاکی به لزوم بازداشت موقت متهم اشاره شده بود، بازپرس دادرسی اصفهان صرف نظر از اینکه ترجمه ارائه شده مورد تأیید است یا خیر، با این استدلال که ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ناظر به محکومیت قطعی صادره از دادگاه‌های داخلی است، با این تقاضای وکیل شاکی مخالفت و به صدور قرار وثیقه متناسب اقدام نموده بود (پرونده کلاسه ۹۳۰۵۹۴ شعبه سوم بازپرسی دادرسی اصفهان).

در مورد دیگری شعبه دیگر بازپرسی در موردی مشابه با این استدلال که محکومیت مذکور در ماده یادشده مطلق است و قید محکمه داخلی یا خارجی را ندارد و هدف قانونگذار برخورد شدید با افرادی است که مبادرت به ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۳۵ می‌نمایند، اقدام به صدور قرار بازداشت موقت نمود که با اعتراض وکیل متهم، پرونده به دادگاه ارسال شد. دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض به قرار بازداشت موقت با این استدلال که علت صدور قرار بازداشت موقت در مورد متهم پرونده وجود سابقه محکومیت قید شده، اما در خصوص اینکه آیا مراد قانونگذار، سابقه محکومیت قطعی از دادگاه‌های کیفری خارجی هم هست یا خیر،

شبهه وجود دارد که باید به نفع متهم تفسیر شود. از این رو، دادگاه اقدام به نقض قرار بازداشت موقت و ارسال پرونده به دادسرا جهت صدور قرار تأمین متناسب دیگر نمود.^۱

در مقام نقد نظر دادگاه باید گفت اگرچه صدور قرار بازداشت موقت الزامی، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ منتفی گردیده است،^۲ به لحاظ اختیار بازپرس در صدور این قرار در موارد قانونی باید به هدف قانونگذار در اعطای چنین اختیاری و در موارد خاص که الزامی است به هدف چنین الزامی توجه نمود. با توجه به موارد صدور این قرار اعم از الزامی و اختیاری می‌توان به این نتیجه رسید که چنین تجویز و تکلیفی یا به لحاظ وضعیت خاص متهم است یا به دلیل درجه و اهمیت بزه انتسابی به متهم. در حالت نخست چون متهم فردی است که مرتکب تکرار جرم یا جرایم خاص می‌گردد از منظر قانونگذار مستلزم برخورد شدیدتر است و در حالت دوم اهمیت جرم از منظر نظم جامعه به حدی است که ظاهر اصل برائت را کنار زده و صدور قرار تأمین شدید را در نظر می‌گیرد. به این ترتیب، باید گفت هدف از صدور قرار تأمین علاوه بر مسأله دسترسی به متهم یا جبران ضرر و زیان وارده به بزه‌دیده، توجه به آسایش عمومی و امنیت جامعه است. با این توضیح به پاسخ این پرسش می‌رسیم که آیا اراده واقعی قانونگذار در توجه به سابقه محکومیت در صدور قرار تأمین خاص، اختصاص به سابقه محکومیت از جانب دادگاه‌های داخلی دارد یا اینکه به سابقه محکومیت به نحو مطلق، صرف نظر از محکمه آن توجه داشته است؟ با نگاهی اجمالی به اصول تفسیر قوانین کیفری از جمله اصل تفسیر به نفع متهم و توجه به شرایط اعمال آن، زمانی تفسیر به نفع متهم صورت می‌گیرد که اراده واقعی قانونگذار کشف نگردد (امیدی، ۱۳۸۹: ۱۲۰؛ حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳:

۱. پرونده کلاسه ۹۳۰۳۹۱ شعبه ۱۲۲ دادگاه عمومی جزایی اصفهان. موارد عملی اشاره شده ناظر به پیش از اجرایی شدن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است. البته در حال حاضر نیز از جهت اینکه در صورت وجود سابقه به شرح مندرج در متن، بازپرس اختیار صدور این قرار را دارد یا خیر همین اختلاف دیدگاه‌ها مطرح است.

۲. با وجود این، هنوز مواردی از بازداشت موقت الزامی در قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد. ماده ۶۱۸ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ مقرر می‌دارد: «در زمان جنگ صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است...».

۱۶۲). از این رو، با لحاظ مطالبی که در مورد اهداف صدور قرار تأمین بیان شد، می‌توان بر این باور بود که سابقه محکومیت مطلق در برخی از جرایم از منظر قانونگذار حائز اهمیت بوده و بر اساس آن ایجاد محدودیت بیشتر را برای مرتکب مدنظر داشته است. در این قسمت برای قانونگذار مهم نبوده که دادگاه صادرکننده رأی قطعی در مورد متهمی که مجدداً به لحاظ تکرار جرم تحت تعقیب قرار گرفته، داخلی بوده یا خارجی. بر این اساس، قانونگذار در هیچ یک از مقرراتی که راجع به صدور قرار تأمین کیفری خاص (به ویژه سالب آزادی) نسبت به وضع قاعده اقدام کرده، اشاره‌ای به سابقه محکومیت از طرف دادگاه‌های داخلی نداشته بلکه همواره از واژه مطلق «سابقه محکومیت» استفاده کرده است. اگر گفته شود این تفسیر به ضرر متهم است، در مقابل باید گفت اگر اراده اصلی قانونگذار کشف گردد، گرچه به ضرر متهم باشد، باید اجراء شود. به این ترتیب، می‌توان بیان داشت که قانونگذار داخلی به نحو ضمنی در این مقوله به حکم کیفری صادره از محکمه خارجی اعتبار بخشیده است.

۲. اعتبار رأی کیفری خارجی در هنگام صدور قرار موقوفی تعقیب

قرار موقوفی تعقیب در موارد مندرج در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و مواردی که در قوانین خاص به آنها تصریح شده است،^۱ صادر می‌گردد. ماده ۱۳ قانون یادشده موارد آن را شامل فوت متهم یا محکوم علیه، گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت، شمول عفو، نسخ مجازات قانونی، شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون، توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون و اعتبار امر مختوم دانسته است. این موارد ارتباطی به ماهیت رفتار مجرمانه ندارند. در این موارد مرجع کیفری ورود در ماهیت ندارد. به عبارت دیگر صرف نظر از اینکه جرم واقع شده یا خیر و دلایل کافی وجود دارد یا خیر، به لحاظ شکلی امکان ورود در

۱. در ماده ۱۲ قانون چک اصلاحی ۱۳۸۲ چنین مقرر شده است: «هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجراء ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد...».

ماهیت فراهم نمی‌گردد (خالقی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). از این رو، به دلیل آمرانه بودن مقررات شکلی و با فرض حادث شدن یکی از موارد موقوفی تعقیب، مرجع کیفری مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب نموده و این قرار مطلقاً اعتبار امر مختومه خواهد داشت و در نتیجه امکان تعقیب مجدد وجود ندارد. با این توصیف، پرسش این است که چنانچه شخصی به دلیل اتهامی از طرف دادگاه خارجی تحت تعقیب قرار گرفته و به لحاظ حدودت یکی از موارد موقوفی تعقیب، آن مرجع اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب کرده باشد، آیا این قرار برای دادگاه داخلی دارای اعتبار است؟ در پاسخ باید گفت چون موارد موقوفی تعقیب پیش‌گفته شکلی هستند و مطلقاً دارای اعتبار امر مختوم هستند، دلیلی بر حصر آن به موارد صادرشده از دادگاه داخلی نیست. اما پرسش مهم‌تر آن است که اگر موارد موقوفی تعقیب به موجب قانون خارجی بیشتر از موارد مذکور در قوانین داخلی باشند و دادگاه خارجی به آن دلیل قرار موقوفی تعقیب صادر نموده باشد^۱ و همان اتهام فرد در ایران مورد رسیدگی قرار گیرد، آیا آن قرار صرف‌نظر از علت صدور آن برای دادسرای ملی دارای اعتبار است یا چون علت صدور قرار امری بوده که به موجب قوانین ایران دلیلی بر موقوفی تعقیب آن نیست، آن فرد باید تحت تعقیب قرار گیرد؟ با بررسی مقررات مربوط در زمینه قرار موقوفی تعقیب اگرچه حکم صریحی از سوی قانونگذار در این ارتباط بیان نشده است، می‌توان به دو دیدگاه در این زمینه اشاره نمود. دیدگاه نخست اینکه موارد موقوفی تعقیب صرفاً مواردی است که از طرف قانونگذار به آن تصریح شده است.

۱. نظیر موانع مسئولیت کیفری چون اکراه، اضطراب، دفاع مشروع، صغر سن و مصونیت سیاسی. در این زمینه لازم به بیان این مطلب است که بر اساس ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که از ۱۳۹۴/۴/۱ اجرائی شده است، موارد موقوفی تعقیب شامل فوت متهم یا محکوم علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت، شمول عفو، نسخ مجازات قانونی، شمول مرور زمان در موارد قانونی، توبه متهم در موارد قانونی (مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و اعتبار امر مختوم اعلام شده است. با این وصف، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا موارد صدور قرار موقوفی تعقیب فقط این موارد و موارد مصرح در قوانین خاص (نظیر قانون چک) است یا می‌توان همان‌گونه که ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ مقرر می‌داشت مواردی را که به هر علت امری قابل تعقیب نباشد نیز شامل موارد صدور قرار موقوفی تعقیب قلمداد کرد؟

از این رو، در موارد عدم تصریح نمی‌توان اقدام به صدور این قرار نمود. اصل در رسیدگی کیفری آن است که رسیدگی‌ای که به موجب قانون شروع شده متوقف نمی‌گردد^۱ مگر آنکه تصریح قانونی وجود داشته باشد. دیدگاه دوّم اینکه موارد صدور قرار موقوفی تعقیب فقط موارد مصرّح در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیست؛ گاه قانونگذار به علل عدم امکان تعقیب از منظر قانون و اصول کلی حقوقی اشاره داشته است. برای مثال، در ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ قانونگذار مقرر داشته بود: «چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده تشخیص دهد که به لحاظ گذشت شاکی خصوصی در مواردی که دعوا قابل گذشت می‌باشد یا به جهت دیگری متهم قابل تعقیب نیست (... حسب مورد رأی به موقوفی تعقیب (... صادر می‌نماید». عدم امکان تعقیب به «جهت دیگر» مطلق است و شامل مواردی که نسبت به اتهام فرد رسیدگی آغاز و فرجام آن صدور قرار موقوفی تعقیب بوده است، (صرف نظر از مرجع صادرکننده آن اعم از داخلی یا خارجی) نیز می‌گردد. اگر چنین استدلال شود که این ماده قانونی به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، منسوخ بوده و استناد به آن موجبی ندارد، در مقابل باید گفت نخست اینکه استناد به این ماده جهت بیان این مسأله است که موارد موقوفی تعقیب صرفاً موارد مصرّح نیست. دوّم اینکه به همین مسأله در ماده ۳۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز اشاره شده است که اتّفاقی ناظر به مرحله تحقیقات مقدماتی از طرف دادگاه است^۲ و از وحدت ملاک این ماده می‌توان در دادرسی نیز استفاده نمود. بدین سان، اگر چه دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه مطرح است، به

۱. ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. در ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ نیز به این امر تصریح شده بود.

۲. به موجب ماده ۳۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد دادگاه حسب مورد قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند.

نظر می‌رسد با توجه به محل وقوع جرم و شکلی بودن قرار، دیدگاه عدم امکان تعقیب با انصاف و اصول حقوقی و رویکرد جهانی شدن حقوق کیفری سازگاری بیشتری داشته باشد.

۳. اعتبار رأی کیفری خارجی در هنگام صدور قرار منع تعقیب

قرار منع تعقیب در مواردی که رفتار ارتكابی جرم نیست یا در مواردی که دلیلی بر توجه اتهام به متهم وجود ندارد یا دلیل هست اما کافی نیست، صادر می‌شود (آشوری، ۱۳۷۹: ۱۳۱). در این ارتباط در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ اشاره شده بود که در صورتی که به لحاظ عدم کفایت ادله قرار منع تعقیب صادر گردد، در صورت کشف دلایل جدید^۱ با تقاضای دادستان و تجویز دادگاه برای یک بار امکان تعقیب مجدد فراهم می‌شود. به این ترتیب، بر اساس قانون پیش گفته قرار منع تعقیب فقط در حالت عدم کفایت ادله اعتبار امر مختومه ندارد و در سایر موارد از این اعتبار برخوردار است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این امر به گونه‌ای دیگر مقرر شده است، چنانکه ماده ۲۷۸ این قانون چنین مقرر می‌کند: «هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت با نظر دادستان برای یک بار قابل تعقیب

۱. پرسشی که در این زمینه مطرح است اینکه آیا دلیل جدید باید از نوع ادله قبلی موجود در پرونده نباشد یا می‌تواند از همان نوع نیز باشد؟ به عنوان مثال اگر در پرونده‌ای شاکای اعلام دارد چهار شاهد جهت اثبات ادعای خود دارد ولی در شرایط فعلی دسترسی به دو شاهد دارد با فرض اینکه دو شاهد حاضر امری را شهادت ندهند که موجب صدور قرار مجرمیت گردد و نتیجه آن صدور قرار منع تعقیب باشد، در صورت قطعی شدن قرار، چنانچه دسترسی به دو شاهد دیگر فراهم شود آیا می‌توان گفت دلیل جدید محسوب نمی‌شود، چون از جنس ادله موجود قبلی است یا اینکه باید آنها را دلیل جدید به حساب آورد؟ نظیر این مسأله در تشدید قرار تأمین نیز مطرح است که آیا تشدید میزان قرار تأمین انتخاب شده، تشدید قرار محسوب می‌شود؟ تبصره ماده ۲۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «تشدید یا تخفیف قرار تأمین اعم از تبدیل نوع قرار یا تغییر مبلغ آن است».

است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یک بار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.^۱

با توجه به ماده یادشده می‌توان گفت که صدور قرار منع تعقیب به دلیل فقدان وصف جزایی رفتار ارتكابی توسط شخص در معرض تعقیب، مطلقاً اعتبار امر مختوم دارد^۱ و امکان تعقیب فراهم نیست. در صورتی که قرار منع تعقیب به دلیل فقد ادله یا عدم کفایت ادله صادر شده باشد، از دو حالت خارج نیست: نخست آنکه قرار منع تعقیب در دادرسی قطعی شده باشد^۲ که در این حالت نیازی به تجویز دادگاه جهت تعقیب مجدد در صورت کشف دلیل جدید نیست. دوّم آنکه قرار منع تعقیب در دادگاه قطعی شده است^۳ که در این حالت با کشف دلیل جدید با تجویز دادگاه امکان تعقیب مجدد برای یک بار فراهم است. از این رو، قرار منع تعقیب صادره از دادرسی در این دو حالت اعتبار امر مختوم نداشته و امکان تعقیب مجدد با رعایت شرایط پیش گفته فراهم است. با وضعیتی که قرار منع تعقیب دارد، به این پرسش در ارتباط با بحث می‌رسیم که در صورتی که دادرسی مواجه با متهمی باشد که نسبت به وی به دلیل ارتكاب همان امری که اکنون متهم است رأی قطعی از طرف دادگاه‌های کیفری خارجی صادر شده باشد، تکلیف چیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید به منشأ صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های ایران توجه کرد. اگر صلاحیت دادرسی از نوع صلاحیت واقعی (موضوع ماده ۵ قانون مجازات اسلامی) باشد، با توجه به بدون قید و شرط بودن اعمال این شکل از صلاحیت، مراجع قضایی ایران مطلقاً صلاحیت دارند و بدون توجه به حکم کیفری خارجی به تعقیب متهم خواهند پرداخت. نهایت اینکه دادگاه در موقع تعیین مجازات، مجازات‌های تحمیل شده بر متهم در

۱. به نظر می‌رسد عبارت قانون در صدر ماده ۲۷۸ در بیان عدم امکان تعقیب متهم به همان اتهام محمول بر مسامحه باشد، زیرا اگر رفتار ارتكابی جرم نباشد استفاده از لفظ اتهام و متهم صحیح نیست.

۲. به دلیل عدم اعتراض یا اعتراض خارج از مهلت.

۳. به دلیل وارد ندانستن اعتراض.

خارج از کشور را محاسبه خواهد کرد (پوربافرانی، ۱۳۹۴: ۱۵۱-۱۴۹). اما اگر منشاء صلاحیت، اصل صلاحیت شخصی (ماده ۷ قانون مجازات اسلامی) یا اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه (ماده ۸ قانون مجازات اسلامی) باشد، موجبی جهت تعقیب در ایران از جهت همان اتهام نیست، زیرا دو ماده ۷ و ۸ قانون فوق قاعده منع محاکمه مجدد را در مورد این دو اصل پذیرفته‌اند. طبق ماده ۷: «علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد مشروط بر اینکه: (...) ب- در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد». همین طور طبق ماده ۸: «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط به اینکه: الف- متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً در مورد او اجراء نشده باشد».

تصویب این دو ماده که قاعده منع محاکمه مجدد و در مورد بحث ما منع تعقیب مجدد را در ارتباط با جرایم موجب تعزیر پذیرفته است، گامی مترقی و بلند در اعتباربخشی به قانون و حکم کیفری خارجی است. به این ترتیب، باید گفت قرار منع تعقیب صادره از دادگاه خارجی در غیر از مورد اصل صلاحیت واقعی، دارای اعتبار قضیه محکوم‌بها برای دادگاه داخلی (دادسرای ملی) بوده و مانع از تعقیب مجدد متهم است.^۱

۱. اعتباربخشی به حکم کیفری خارجی در قالب پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد، در قوانین کیفری کشورهای دیگر نیز مطرح است. ماده ۲۷ قانون مجازات لبنان (عالیه، ۱۹۹۲: ۱۴۳)، ماده ۹-۱۱۳ قانون مجازات فرانسه (Stefani, G. et al, 1995: 145) و ماده ۲۷ قانون مجازات سوریه (فاضل، ۱۹۷۶: ۱۳۸) ناظر به این مطلب است. در نظام حقوقی کامن‌لا نیز قاعده مشابهی در این ارتباط وجود دارد (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۵۳۷). ماده ۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هم آن را

۴. اعتبار رأی کیفری خارجی در هنگام صدور قرار ترک تعقیب

یکی از ابزارهای کارآمد در جلوگیری از تراکم پرونده در مرجع رسیدگی و نیز دور نگه داشتن متهم از فرایند دادرسی، استفاده از جایگزین‌های تعقیب کیفری است. این امر باعث می‌شود افزون بر عدم ورود پرونده در جریان دادرسی و جلوگیری از صرف هزینه‌های متعاقب، متهم نیز محکومیت کیفری نیافته و امکان استفاده از نهادهای تشدید مجازات در صورت ارتکاب بعدی فراهم نباشد. همچنین، این امر موجب تشویق به اصلاح و بازدارندگی در ارتکاب جرایم بعدی نیز می‌شود. قرار ترک تعقیب که از این سیاست تبعیت می‌کند در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ پیش‌بینی نشده بود. در مقررات پس از انقلاب برای نخستین بار در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ به این مسأله توجه شد. در تبصره ۱ ماده ۱۷۷ مقرر شد که اگر جرم ارتكابی از جرایم قابل گذشت باشد شاکی می‌تواند

پذیرفته است. طبق این ماده: «۱- به غیر از موارد مذکور در این اساسنامه هیچ شخصی را نمی‌توان در دیوان در ارتباط با جرمی که قبلاً در دیوان به خاطر آن محکوم یا از آن برائت حاصل کرده است، محاکمه کرد. ۲- کسی که به اتهام ارتکاب یکی از جرایم مندرج در ماده ۵ در دیوان محکوم یا از آن تبرئه شده است، در دادگاه دیگری به خاطر همان جنایت محاکمه نخواهد شد. ۳- کسی که برای ارتکاب عملی که به موجب مواد ۶، ۷ و ۸ جرم شناخته شده توسط دادگاه دیگری محاکمه شده است، توسط دیوان بین‌المللی کیفری برای همان رفتار محاکمه نخواهد شد مگر آنکه جریان دادرسی در دادگاه دیگر: الف- به منظور صیانت شخص مورد نظر از مسئولیت کیفری جنایت مشمول صلاحیت دیوان بوده است یا آنکه ب- دادرسی مستقل و بی‌طرفانه مطابق ملاک‌های شناخته‌شده حقوق بین‌الملل صورت نگرفته و به شیوه‌ای انجام شده که در اوضاع و احوال مربوطه مغایر با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر بوده است. با توجه به این ماده می‌توان گفت: ۱- رأی دیوان کیفری بین‌المللی برای این دیوان مطلقاً اعتبار امر مختومه کیفری دارد (بند ۱). ۲- رأی دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص جرایم موضوع ماده ۵ اساسنامه برای همه دادگاه‌ها اعتبار امر مختوم کیفری دارد (بند ۲). ۳- رأی دادگاه‌های دیگر در خصوص جرایم موضوع مواد ۶، ۷ و ۸ برای دیوان به نحو مشروط اعتبار امر مختوم دارد (بند ۳). در ماده ۹ اساسنامه دادگاه رواندا و ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق) هم اصل منع محاکمه مجدد پذیرفته شده است. در کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو نیز به گونه‌ای به این امر توجه شده است: «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و قانون مند مندرج در این اسناد مشتمل است بر: (... حق مجازات نشدن بیش از یک بار به خاطر عمل واحد (ماده ۸۶ کنوانسیون سوم ژنو و بند ۳ ماده ۱۱۷ کنوانسیون چهارم ژنو). (کیتی شیا یزری، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

تقاضای ترک تعقیب نموده و این امر مانع از طرح شکایت مجدد نیست. به این ترتیب، اگر این قرار صادر می‌شد با توجه به اینکه مقید به مهلت نشده بود و برای دفعاتی که شاکی می‌توانست از این حق استفاده نماید هم حد و مرزی تعیین نشده بود، از این رو صدور این قرار اعتبار امر مختومه نداشت و موجبات تعقیب مجدد متهم از جهت همان رفتار برای هر تعداد دفعاتی که شاکی اراده می‌کرد، فراهم بود. به لحاظ وجود چنین ایراداتی قانونگذار سال ۱۳۹۲ در ماده ۷۹ قانون این دادرسی کیفری مقرر نمود: «در جرایم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست نماید». بدین سان، صدور قرار ترک تعقیب ضابطه‌مند شد، بدین نحو که برای یکبار و ظرف یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب (و نه تاریخ قطعیت آن) امکان درخواست برای تعقیب مجدد متهم فراهم است و پس از آن این قرار از اعتبار امر مختوم برخوردار است.

با این توضیح به این پرسش در ارتباط با موضوع بحث می‌رسیم که اگر در دادگاه کیفری خارجی نسبت به اتهام فردی قرار ترک تعقیب یا مشابه آن صادر شده باشد، با فرض دارا بودن اعتبار امر مختوم در کشور صادرکننده، آیا این اتهام قابل تعقیب مجدد در ایران است یا خیر؟ به عبارت دیگر اگر نسبت به یک ایرانی در دادگاه کیفری خارجی قرار یادشده صادر شده باشد آیا شاکی وی می‌تواند تعقیب مجدد وی را در دادگاه‌های ایران درخواست نماید یا اینکه آن قرار برای دادگاه‌های ایران اعتبار نداشته و شکایت شاکی اولیه محسوب می‌گردد؟ به نظر می‌رسد با استفاده قانونگذار از لفظ مطلق صدور قرار ترک تعقیب، بتوان آن را به قرار صادره از دادگاه‌های خارجی نیز تسری داد و با رعایت قاعده تفسیر به نفع متهم بر این اعتقاد بود که امکان تعقیب چنین متهمی از طرف دادگاه‌های ایران فقط برای یک بار با تقاضای شاکی فراهم است.

۵. اعتبار رأی کیفری خارجی در هنگام صدور قرار تعلیق تعقیب

تعلیق تعقیب با موضوع تعلیق اجرای حکم متفاوت است. قرار تعلیق اجرای مجازات به معنای متوقف نمودن تمام یا قسمتی از مجازات کسی است که به کیفر تعزیری محکوم می‌گردد. صدور این قرار تابع شرایط خاصی است که در مقررات ماهوی به آن پرداخته می‌شود.^۱ اندیشه تعلیق اجرای مجازات ابتکاری غربی است که در یک سده اخیر رفته‌رفته به نظام‌های کیفری کشورهای جهان راه یافته است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۱۵). اما تعلیق تعقیب روش تازه‌ای است که از سال ۱۳۵۲ به بعد در کشور ما پیش‌بینی شده است (آخوندی، ۱۳۸۷: ۸۲). در قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ و در ماده ۲۲ این قانون آمده بود: «در کلیه اتهامات از درجه جنحه به استثناء جنحه‌های باب دوم قانون مجازات عمومی هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار نماید، دادستان راساً می‌تواند تا اولین جلسه دادرسی با احراز شرایط زیر تعلیق کیفری او را با رعایت تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۴۰ مکرر قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی معلق سازد: ۱- اقرار متهم حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد. ۲- متهم سابقه محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشد. ۳- شاکی یا مدعی خصوصی در بین نبوده یا شکایت خود را مسترد کرده باشد». بر اساس این ماده امکان صدور قرار حتی پس از صدور کیفرخواست برای دادستان وجود داشت، به این ترتیب که مهلت صدور این قرار تا اولین جلسه دادرسی بود.

پس از تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ از این نهاد ذکری به میان نیامد. با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری

۱. در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چنین مقرر شده است: «در جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از ۱ تا ۵ سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید».

مصوب ۱۳۷۸ نیز جایگاهی برای این نهاد در نظر گرفته نشد. با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱ نیز اثری از این نهاد ملاحظه نشد و این امر سبب شد عده‌ای بر این باور باشند که اساساً امکان صدور قرار تعلیق تعقیب وجود ندارد. به لحاظ اختلافاتی که در این مورد وجود داشت، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه‌ای اعلام داشت که ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری نسخ نشده است. بر این اساس، در شرایط فعلی رویکرد امکان‌آوردن این قرار تقویت شد. با وجود این، همچنان در ارتباط با این قرار تردیدهایی وجود داشت از جمله اینکه آیا بر فرض امکان صدور این قرار باید گفت این قرار قطعی است یا قابل اعتراض است؟

قانونگذار با آگاهی از اینکه این قرار ابزار مفیدی در فرایند دادرسی است، آن را در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر کرد. ماده ۸۱ این قانون چنین مقرر می‌کند: «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است،^۱ چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری^۲ باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب تعقیب

۱. موضوع مواد ۴۶ الی ۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

۲. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی. ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارده بیش از نصف دیه معنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس درجه چهار. پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارده نصف دیه معنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج. تبصره ۱- در غیر موارد فوق مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات».

وی را از شش ماه تا دو سال معلق نماید...»^۱ در تبصره ۵ این ماده نیز امکان صدور این قرار برای دادگاه در مواردی که پرونده به طور مستقیم^۲ در دادگاه مطرح می‌گردد، پیش‌بینی شده است.

بر اساس تبصره ۱ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد (...) قرار تعلیق لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید...».

با توجه به تبصره فوق این پرسش مطرح است که چنانچه نسبت به فردی از طرف دادگاه کیفری خارجی قرار تعلیق تعقیب صادر شده باشد و در مدت تعلیق در ایران مرتکب یکی از جرایم مذکور در تبصره یادشده گردد، آیا ضمانت اجرای مذکور در تبصره قابل اعمال است؟ به عبارت دیگر، آیا قرار صادره از دادگاه خارجی در این زمینه برای دادرسی ایران معتبر بوده و باید به مفاد تبصره پیش‌گفته از این منظر که تعقیب وی با رعایت مقررات تعدد باید صورت گیرد، عمل کرد یا خیر؟ در پاسخ شاید بتوان دو دیدگاه را مطرح کرد: دیدگاه نخست اینکه تبصره یادشده فقط ناظر به قرار صادره از دادگاه داخلی است و قابل تسری به قرار صادره از طرف دادگاه خارجی نیست. دیدگاه دوم اینکه تبصره به نحو مطلق است و قرار تعلیق مذکور در این تبصره مطلق به کار رفته و تفاوتی ندارد که از دادگاه داخلی صادر شده باشد یا خارجی. آنچه برای قانونگذار مهم بوده این است که فردی که در مورد او قرار تعلیق تعقیب صادر شده است، باید به این قرار در جهت حفظ نظم عمومی احترام گذارد و تخلف باید همراه با ضمانت اجراء باشد. به نظر می‌رسد علیرغم عدم بیان این مسأله در هیچ منبعی باید دیدگاه دوم را معتبر دانست. این دیدگاه گامی به سمت جهانی شدن حقوق کیفری است.

۱. به موجب این ماده قانونی تعلیق تعقیب ساده وجود ندارد و همواره مقید به اجرای برخی دستورات است.

۲. نگاه کنید به مواد ۳۴۰ و ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری.

مسئله دیگری که در ارتباط با این قرار قابل طرح می‌باشد این است که بر اساس تبصره ۳ ماده ۸۱: «هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سر گرفته می‌شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود». این مقرر این پرسش را ایجاد می‌کند که چنانچه از طرف مرجع قضایی ایران در مورد متهمی قرار تعلیق تعقیب صادر گردد و سپس کاشف به عمل آید که این متهم دارای سابقه محکومیت کیفری از طرف دادگاه خارجی است، آیا باید نسبت به لغو قرار تعلیق تعقیب اقدام و تعقیب از سر گرفته شود یا خیر؟ دیدگاه نخست آن است که باید قانون را تفسیر به نفع متهم نمود و بگوییم مراد قانونگذار در این تبصره محکومیت کیفری مؤثر متهم از طرف مرجع داخلی است (خالقی، ۱۳۸۳: ۲۹) و اگر از دادگاه خارجی دارای چنین محکومیتی باشد، تأثیری در سرنوشت متهم نخواهد داشت. دیدگاه دوم آن است که محکومیت کیفری مؤثر مذکور در این ماده را مطلق و ناظر به اصل محکومیت بدانیم اعم از اینکه از دادگاه داخلی یا خارجی باشد. وانگهی، با کشف اراده اصلی قانونگذار باید به اجرای آن مبادرت گردد، حتی در مواردی که به ضرر متهم است. به عبارت دیگر، تمسک به اصل تفسیر به نفع متهم زمانی است که از طرق دیگر مانند تفسیر منطقی و کشف نظر قانونگذار نتوان به نتیجه رسید و ابهام همچنان وجود داشته باشد. از حیث مبنایی باید گفت اراده اصلی قانونگذار در این تبصره آن بوده که متهمی از امتیاز تعلیق تعقیب برخوردار گردد که سابقه محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشد. متهمی که سابقه محکومیت ندارد نباید با ارتکاب نخستین جرم به مجازات برسد. قانونگذار از سیاست تنبه متهم در مراحل اولیه دادرسی استفاده کرده و به لحاظ فقدان سابقه، از تعقیب متهم با شرایطی صرف نظر می‌نماید. اما دلیلی ندارد این امر نسبت به متهمی که دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، گرچه از طرف دادگاه خارجی، تسری داده شود.

۶. اعتبار رأی کیفری خارجی در هنگام صدور قرار بایگانی کردن پرونده

اگرچه قانونگذار به عنوان یک قاعده کلی به موضوع بایگانی کردن پرونده تا سال ۱۳۹۲ اشاره‌ای نداشت، در برخی مقررات سابقه‌ای از این قرار یافت می‌شد. به عنوان مثال در مواد ۱۰ قانون منع خرید و فروش کوپن کالاهای اساسی، ماده ۷ قانون تشدید مجازات محکومان و گران‌فروشان، تبصره ۴ ماده ۲۰ قانون مربوط به امور پزشکی و تبصره ۵ ماده واحده قانون الزام به تزریق واکسن کزاز برای بانوان ۱۳۶۷، به بایگانی کردن پرونده حسب مورد توسط دادگاه یا دادرسی اشاره شده است. با وجود این، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صدور این قرار را ضابطه‌مند نموده است. ماده ۸۰ این قانون مقرر می‌کند: «در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی فقط برای یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است.» در این ماده قانونی شرایطی برای بایگانی کردن پرونده مقرر شده است از جمله اینکه در صورت وجود سابقه محکومیت کیفری مؤثر^۱ برای مقام قضایی امکان اصدار این قرار نیست. از سوی دیگر در صورتی که متهم سابقه محکومیت مؤثر هم نداشته باشد لیکن سابقه برخورداری از این امتیاز قانونی را داشته باشد، دیگر امکان استفاده از آن فراهم نخواهد بود و باید رسیدگی ادامه داشته باشد. بیان این مطلب لازم است که امکان صدور این قرار از ناحیه مقامات دادرسی وجود ندارد. به دلیل آنکه صدور این قرار در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت مقرر شده و رسیدگی به این جرائم با توجه به ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به طور مستقیم در دادگاه به عمل می‌آید، ولی چون صدور قرار بایگانی کردن پرونده در

۱. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

مرحله تحقیقات مقدماتی است و دادگاه در جرایم یادشده تحقیقات مقدماتی را خود انجام می‌دهد، از این رو بحث از این موضوع در مرحله تحقیقات مقدماتی مواجه با اشکال نخواهد بود.

با این وضعیت این پرسش مهم مطرح است که چنانچه فردی از طرف دادگاه خارجی به دلیل ارتکاب جرمی محکومیت یافته باشد و محکومیت وی مطابق مقررات، محکومیت مؤثر محسوب گردد و این فرد در ایران مرتکب جرم تعزیری درجه ۷ یا ۸ گردد و شرایط مذکور در ماده ۸۰ پیش گفته فراهم باشد، آیا مقام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند از این اختیار قانونی استفاده نماید یا چون دارای سابقه محکومیت است این اختیار قانونی منتفی است؟ اگرچه دیدگاه مخالف وجود دارد، به نظر می‌رسد اراده واقعی قانونگذار در نداشتن سابقه محکومیت کیفری به نحو مطلق است اعم از آنکه محکومیت ناشی از رأی دادگاه داخلی باشد یا خارجی. در کنار این موضوع مسأله دیگری نیز مطرح است و آن اینکه چنانچه نسبت به فردی از طرف دادگاه خارجی یک بار چنین قراری صادر شده باشد، آیا دادگاه می‌تواند حسب مورد با وجود شرایط قانونی نسبت به صدور این قرار اقدام نماید؟ به عبارت دیگر قید «فقط برای یک بار» مذکور در ماده ۸۰ به فقدان صدور این قرار نسبت به متهم در دادگاه‌های داخلی برمی‌گردد یا مطلق است و شامل دادگاه خارجی نیز می‌گردد؟ باز هم علیرغم اختلاف دیدگاه‌هایی که نزد مقامات قضایی وجود دارد، به نظر می‌رسد لحاظ فلسفه صدور این قرار که همانا منع ادامه تعقیب متهم در صورت ارتکاب بزه خرد برای نخستین بار است و اگر شخصی با وجود برخورداری از این نهاد مجدداً مرتکب بزه شده باشد، از منظر سیاست جنایی شایسته نیست از ادامه تعقیب وی بی‌جهت صرف نظر نمود، دیدگاه دوم که همانا فقدان جواز برای مرجع قضایی در صدور این قرار در صورت وجود سابقه برخورداری از این امتیاز قانونی، گرچه از طرف دادگاه خارجی است، مرجح است.

نتیجه

جهانی شدن حقوق کیفری مقتضی آن است که به احکام و قرارهای صادره از طرف دادگاه‌ها و دادرهای کشورهای خارجی با ایده هدف محوری و این که هدف همه نظام‌های حقوق کیفری علاوه بر حفظ نظم عمومی اعم از داخلی و بین‌المللی، حفظ حقوق و آزادی‌های فردی هم هست، توجه شود. بر این اساس وقتی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران این اختیار به قاضی دادر داده شده است تا با توجه به سابقه محکومیت کیفری قبلی متهم بتواند قرار بازداشت متهم را صادر کند، این سابقه محکومیت فرقی نمی‌کند که به موجب حکم دادگاه کیفری داخلی یا خارجی باشد؛ زیرا هدف از صدور قرار تأمین کیفری علاوه بر دسترسی به متهم، توجه به آسایش و نظم عمومی جامعه هم هست و با توجه به سابقه محکومیت کیفری متهم است که مقنن ایجاد محدودیت بیشتر برای او را در نظر گرفته است، فارغ از این که این محکومیت در چه کشوری حاصل شده است. همچنین در مواردی که توسط دادرای کشور خارجی قرار موقوفی تعقیب صادر شده باشد اعم از این که عیناً همان قرار موجود در نظام حقوقی ایران یا مشابه آن باشد، باز دادرای ایران باید آن را مثل قرار صادر شده توسط دادرای ایران معتبر بدانند. این امر در مورد قرار منع تعقیب هم وجود دارد و دادرای ایران به محض مواجه شدن با حکم کیفری خارجی بایستی آن را در چارچوب مقررات قانونی، مدنظر قرار داده و از تعقیب مجدد متهم خودداری ورزد. این مطالب عیناً در مورد صدور قرارهای ترک تعقیب، تعلیق تعقیب و بایگانی کردن پرونده هم صادق است. با این اوصاف باید اعتبار رأی کیفری خارجی را در چارچوب مقررات قانونی، قاعده کلی نظام کیفری دانست که در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز جریان دارد و در همه موارد اعم از مساعد و غیر مساعد به حال متهم اعمال می‌شود. در عین حال و به رغم این تحلیل حقوقی، با توجه به اختلاف نظرهایی که در خصوص برخی از مباحث مورد اشاره وجود دارد و به آنها در متن مقاله اشاره شد، پیشنهاد می‌شود تا قانون‌گذار نسبت به این امر که قانون و رأی کیفری خارجی اعم از حکم دادگاه یا قرار دادرای خارجی در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز در موارد مساعد و غیرمساعد به حال متهم، منشأ اثر است تصریح نماید.

منابع

الف. عربی

– عالیہ، سمیر. (۱۹۹۲). قانون العقوبات (القسم العام). الطبعة الاولى، مؤسسه الجامعيه للدراسات و النشر و التوزيع.

– فاضل، محمد. (۱۹۷۶). المبادئ العامه في التشريع الجزائي. مطبعة الداودي.

ب. فارسی

– آخوندی، محمود. (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری. ج ۶، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

– آشوری، محمد. (۱۳۷۵). آیین دادرسی کیفری. ج ۱، تهران، انتشارات سمت.

– آشوری، محمد. (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری. ج ۲، تهران، انتشارات سمت.

– اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. ج ۳، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

– امید، جلیل. (۱۳۸۹). تفسیر قانون در حقوق جزا. چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.

– پردال، ژان، کورستنز، گنرت و فرملین، گرت. (۱۳۹۳). حقوق کیفری شورای اروپا. ترجمه محمد آشوری، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

– پوربافرانی، حسن، اکبری، احسان و بدری، حسن. (۱۳۹۳). «انتقال محکومین به حبس در موافقتنامه های بین المللی با نگاهی به مبانی فقهی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱.

– پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۴). حقوق جزای بین المللی. چاپ هشتم، تهران، انتشارات جنگل.

– حاجی ده آبادی، احمد. (۱۳۸۳). بایسته های تقنین. چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

– حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۷۳). حقوق کیفری بین المللی. چاپ اول، تهران، نشر میزان.

- خالقی، علی. (۱۳۸۳). «انتقال محکومان: تحول بزرگ در شناسایی و اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴.
- خالقی، علی. (۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری. چاپ اول، تهران، شهر دانش.
- دلخوش، علیرضا. (۱۳۹۰). *مقابله با جرایم بین المللی: تعهد دولت ها به همکاری*. چاپ اول، تهران، شهر دانش.
- ریاضی، علی اکبر. (۱۳۶۱). اعتبار امر مختوم جزایی در رسیدگی جزایی. رساله دکتری علوم جزایی و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- کیتی شیایزری، کریانگ ساک. (۱۳۸۳)، *حقوق بین المللی کیفری*. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، انتشارات سمت، چاپ اول.
- الماسی، نجاد علی. (۱۳۷۸). *تعارض قوانین*. چاپ سوم، مرکز نشر دانشگاهی.
- محسنی، مرتضی. (۱۳۷۵). *دوره حقوق جزای عمومی*. ج ۱، چاپ دوم، تهران، گنج دانش.
- پ. انگلیسی
- Bassiounie, M. Cherif. (2008). *International Criminal Law: Multilateral and Bilateral Enforcement Mechanisms*. Volume 2, Brill publication.
- Bassiounie, M. Cherif. (2012). *Introduction to International Criminal Law*. 2nd Revised Edition, Martinus Nijhoff publishers.
- Chen, jianfu, Li, Yawen and Michiel Otto, jan. (2002). *Implementation of Law in the People's Republic of China*. Martinus Nijhoff publishers.
- Council of Europe, European Convention On the International Validity of Criminal Judgments, the Hague, 28.V.1970.
- Kittichaisaree, Kriangsak. (2005). *International criminal law*. Oxford, Third edition.
- ت. فرانسه
- Dpesportes, F. et Le Gunehec, F., (1996), *Le Novea droit penal*, Tom1, Economica.
- Stefani, G., Lvasseur, G. et Bouloc, B., (1995), *Droit penal general*, Dalloz.



The Validity of Foreign Criminal Judgment During the Preliminary Investigation Process

Hasan Poorbafarani¹ – Ebrahim Sharifi²

(Received: 8/ 11/ 2016 - Accepted: 29/ 11/ 2017)

Abstract

In contrast to private international law, a country's criminal authorities including court and the Public institution prosecution only apply their own country's criminal laws in the realm of international criminal law. However, it would not mean that all international criminal laws and sentences are discredited. Sometimes, domestic criminal laws require the courts to consider international criminal laws and sentences as well. For example, over a trial in a country, they may avoid retrial the crime committed by their nationals in overseas if the committed act is a crime in that country as well. This is very important during the preliminary investigation Process. In this Process, foreign criminal law or sentence is valid from two aspects: one is before making the final decision, and the other one is the process of making the final decision in the form of final appointments of the court. At every Process, there are some effects on each of the mentioned measures, about which there are different opinions.

Keywords: Foreign Criminal Judgment, Preliminary Investigations, *Ne Bis in Idem*, Public Prosecutor's Office, Arrest Warrant.

1. Associate Professor in Criminal Law and Criminology, Isfahan University, Isfahan (Corresponding author), Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

2. Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University (Khourasgan Branch), Isfahan